

### متن پرسش

همان طور که مرحوم علامه طباطبایی در المیزان ج ۱۰، صص ۱۶۲، ۱۷۱ می فرمایند اعجاز معرفتی و اعجاز بلاغی قرآن و در پی آن، تحدی به آوردن سوره، اعجاز و تحدی به یک سوره‌ی کامل است به این معنی که هر غرض هدایتی، در قالب حد اقل یک سوره‌ی کامل است و پیرو آن تحدی نیز به همین شکل است. حال سوال این است که با توجه به این که حروف مقطعه نیز جزء سوره‌هایی است که مشتمل بر آن است، اگر حروف مقطعه را از قرآن حذف کنیم چه نقصی در هدایت نوع بشر و اعجاز معرفتی انسان پیش می‌آید؟ حروف رمزی که برای نوع انسان‌ها مبهم است و ظاهراً فقط موجب حیرت است تا معرفت البته مگر برای اهل بیت علیهم السلام که گویی این حروف، خاص فهم ایشان است چون هر کس غیر از ایشان از «الر» هر چیزی بگوید هیچ اعتبار و سندیتی ندارد.

### متن پاسخ

شاید بتوان گفت که بحث هدایت قرآن و نظر به تحدی نسبت به هر سوره، به طور اجمال باشد و لازم نیست که آن تحدی شامل حروف مقطعه‌ی قرآن باشد و نیز خارج از سوره‌هایی که دارای حروف مقطعه است باز موضوع تحدی نسبت به آوردن یکی از آن سوره‌ها نیز تحدی به حساب می‌آید. یعنی یا این که باید بگوییم هدایت سوره‌ای مثل سوره‌ی مبارکه‌ی بقره منهای حروف مقطعه هدایت کاملی است و فقط حروف مقطعه رازی است بین خدا و آن‌هایی که متوجه پیام آن هستند و یا باید در قرائت آن حروف انتظار هدایت تکوینی داشته باشیم همان طور که در روایات داریم «قرائت حروف مقطعه‌ی سوره‌های شوری و مریم موجب دفع شر دشمنان می‌شود». عَنِ الصَّادِقِ مَنْ دَخَلَ عَلَى سُلْطَانٍ يَخَافُهُ فَقَرَأَ عِنْدَ مَا يُقَابِلُهُ كَهَيْعِصٍ وَ يَضُمُّ يَدَهُ الْيُمْنَى كُلَّمَا قَرَأَ حَرْفًا ضَمَّ إِصْبَعًا ثُمَّ يَقْرَأُ حَمَّ عَسَقٍ وَ يَضُمُّ أَصَابِعَ يَدِهِ الْيُسْرَى كَذَلِكَ ثُمَّ يَقْرَأُ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا وَ يَفْتَحُهُمَا فِي وَجْهِهِ كُفَى شَرَّهُ. یعنی: «هر گاه کسی بر پادشاهی وارد شد که از او می‌هراسد، آن لحظه که در برابرش قرار گرفت، کهیعیص را بخواند و دست راستش را جمع کند، به این صورت که در وقت خواندن هر حرفی، انگشتی را جمع نموده، آنگاه حم عسق را بخواند و انگشتهای دست چپش را همین طور جمع نماید سپس بخواند: « وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا » رویها در برابر خداوند زنده و پاینده، خوار گردیده‌اند و هر کس که ستم کرد زیان نموده است. سپس آن دو دست را در صورتش باز کند که شر آن سلطان کفایت می‌شود».